

تنهایی پرهیا هو



نورسل هرابال



تربیت پرویز دهی

سرشناسه	هرابال، بهومیل، ۱۹۱۴ - ۱۹۹۷ م.
عنوان و نام پدیدآور	Hrabal, Bohumil
مشخصات نشر	تهابیه پرهیاو / بهومیل هرابال؛ ترجمه پرویز دواقی.
مشخصات ظاهری	تهران: پارس کتاب، ۱۳۹۷.
شابک	۲۱۲ ص: مسور؛ ۱۱ x ۱۷ م.م.
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۸-۲۰-۲
یادداشت	فهرست
یادداشت	عنوان اصلی: Příliš hlučná samota.
یادداشت	کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "Too loud a solitude" به زبان فارسی ترجمه شده است.
موضوع	کتاب حاضر در سدهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	داستان‌های چک - قرن ۲۰ م.
موضوع	Czech fiction -- 20th century
موضوع	نواقی، پرویز، ۱۳۱۴ - مترجم
موضوع	۱۳۹۷ / ۲۵ / ۳۹ / PG5۰
موضوع	۸۹۱ / ۸۹۳۶
موضوع	۵۴۹۵۵۴۱



پارس کتاب

تنهای پرهیا و
نویسنده: بهومیل هرابال
ترجمه: پرویز دواقی
نوبت چاپ / اول - ۱۳۹۷
تیراژ / ۲۲۰۰ نسخه
لیتوگرافی / اطلس
چاپ / صادق
صحافی / صداقت
شابک / ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۸-۲۰-۲

تهران؛ خ انقلاب؛ خ ۱۲ فروردین؛ خ وحید نظری؛ پلاک ۱۰۵؛ واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۶۳۱۳۲ - نمابر ۰۸۳۳-۶۶۹۶

E: info@parsketab.org - www.parsketab.org

شابک: ۹۶۴-۵۷۰۹-۵۲-۰ ISBN: 964-5709-52-0

مقدمه مترجم بر چاپ ششم

بسیار دشوار است (لااقل برای این بنده) در این فرصت نوشتن مقدمه ای بر ششمین چاپ هر چند مختصر (و بخصوص مختصر) بر ششمین چاپ تم ای بر آه و افزودن سخنی - سوای آنچه در مقدمه قبلی آمد - به حواله گفتار و زندگی و فلسفه هستی بهومیل هرابال، که انچه نان ریست که نوشت (و برعکس). معرفی قدری وافی این بزرگترین نویسندگان اخیر چک دفتری بسیار جامع را اقتضا می کند، خیلی مفصل از متر کتاب حاضر، کما این که در زمان زندگی او و حالا در این ده ساله پس از پیریدن و رفتن اش، چند کتاب پرتفصیل (علاوه بر مقدمه های مملانی بر آثار سابق اش در متن این آثار) به زبان چک درباره اش در بساط ظاهر شده؛ از جمله و بخصوص کتابی در قطع بزرگ (به مولی رای روی میز قهوه خوری) شامل متن موضوع بندی شده آثار و افکار هرابال با عکسهای متعددی که سراسر زندگی او را از تولد و کودکی تا

دوران مشاغل و همراهی اش با یاران و پیوندان مشهور (از هنرمندان چک) و نامشهور (کارگران کارخانه ها، مشتریهای آبجوخانه ها) را دربرمی گیرد و به آخرین نشستهای هرابال پشت میز می نشیند. همیشه اش در آبجوخانه مطلوب اش، «بیر طلایی»، در روجه هیسووا در وسط شهر پراگ ختم می شود؛ یک آبجوخانه سنتی روی تفرجگاه باروک کلامگالاس که مدتی کوتاه اقامتگاه بتهوون بوده است. در بال در آخرین ایام زندگی اش تا از پانینفاده بود، هر روز پستان به این آبجوخانه می آمد و در تالار انتهایی آن پشت به دیوار بر سر میز می نشست که امروزه پلاک نام و تصویر او بالای سرش نصب شده) می نشست. تنهایی پرهیا هویش پناه می برد. این آبجوخانه که حالا دیگر صورت کی از مکانهای رجوع توریست های آشنا با آثار هرابال را پیدا کرده است، جایه جا بر دیوارهایش، با تابلوهای نقاشی و عکسها و مجسمه سرنویسنده، از حضور پیدا و ناپیدای او نشان دارد و بر سر آن نیز دراز انتهایی هنوز هم بجز حلقه یاران نزدیک هرابال هیچ مشتری پیدا از راه رسیده ای حق نشستن ندارد و صندلی خاص هرابال پشت آن نیز کهنه همیشه خالی است.

جا و حضور مادی اش خالی ست ولی انگار که بعد از

رفتن‌اش، در فرهنگ امروز چک، درست به جبران این غیاب فیزیکی، یادآوری از او به مراتب پررنگتر از زمانی‌ست که هنوز زنده بود. هرابال دیگر به یک نهاد در سرزمین خودش تبدیل و نماینده بارز روح و فرهنگ زنده چک شده است...

برای این بنده مترجم کتاب، به عنوان واسطه ارائه این اثر نمونه ترجمه هرابال (واسطه‌ای همراه با ناشر محترم و نیز دوست عزیز، که این ترجمه را به ناشر سپرد)، توجه خوانندگان ایرانی به این اثر (اگر این چند نوبت چاپ گواه آن باشد) البته جای خوشحالی بسیار دارد، که این نویسنده بزرگ از هر لحاظ شایسته آن بود که به خواننده ارس‌ی زبان شناسانده شود (یا بیشتر شناسانده شود: خبر نداشتیم! بعد از خواننده محترمی از شیراز - که نام‌شان را متأسفانه از یاد برده‌ام - خواندم که از هرابال - سی‌و‌اند سالی پیش؟ - کتاب قطارهای پشت مراقبت شده‌اش - ضمیمه یک شماره مخصوص مجله سال - و نیز چند قصه کوتاه‌اش در مجله سخن ترجمه شده است)* به لحاظ شخصی هم

* اشاره آقای دوائی عزیز به نامه دوست کتاب‌دوست ما آقای سید پارسا است که در این باب نامه‌ای نوشته بودند و در شماره ۱۰ فصلنامه نقد ادبی و ادبیات کتاب تهران چاپ شد (دی‌ماه ۱۳۸۳). - ناشر.

برای این مترجم جای خوشوقتی دیگری هم هست و آن این که در چاپهای بعدی کتاب برایم میسر شد تا غلط‌های چاپی - متأسفانه - عذیده‌ای را که در چاپ اول در متن راه یافته بود، با کمک و توجه ناشر معترفه اصلاح کنم.

در همین جا حتماً لازم است که نکته دیگری را هم متذکر شوم که در مقدمه قبلی متأسفانه از قلم افتاد و آن این که علاوه بر متن چک‌بک متن آریبه و اصلی مرجع من در ترجمه کتاب حاضر بود، متن ترجمه انگلیسی آن (کار هنری هیم (Henry Heim)، انتشارات ابراکنس، لندن، ۱۹۸۸) را هم در نظر داشته‌ام که در قسمتهایی برایم رسیده است، بی آن که بتواند ریتم و رنگ کلام هرابال را - که بیشتر به یک تک‌گویی درونی پیوسته می‌ماند - برساند. اگر این لحن و آهنگ در ترجمه فارسی تا حدودی حفظ شده باشد، جای خورخوری است و البته باز سپاسی است بسیار ناکافی که باید از همسر ایونا (Ilona) به خاطر کمکهای بسیار ضروری‌اش در کار ترجمه این اثر عمل بیاورم. باقی می‌ماند ابراز خوشحالی مجدد از این که هرابال در همین حدی که هست مورد توجه خواننده‌های ما قرار گرفته است. این توجه و علاقه را، متأسفانه، شمارگان معدودی که

چاپ کتابها این روزها گرفتار آن است محدود می‌کند، ولی در همین حد هم خوشحال باشیم. باید قانع بود.

پاسخی هم به دوستان و خوانندگان دور و نزدیک مدیونم که از این بنده خواسته بودند که به سراغ آثار دیگر این نویسنده بروم. متأسفم! بجز این کتاب هرابال که عرض شد، که به نظر من بهترین و بهترین اثر اوست، و نیز بی «دوستان» برای عرضه در بازار نشر امروز سرزمین ما، ترجمه سایر آثار او که برای فرهنگ دیگری نوشته شده است) در شرایط حاضر زود به خالت و دستکاریهایی را اقتضا می‌کند که این بنده در مورد خودش - بخصوص در حق چنین نویسنده‌ای - آن را مطلقاً نمی‌درد. دیگران در مورد ترجمه آثار نویسندگان دیگر چنین کرده‌اند و می‌کنند. بکنند!

پرویز دوانی

تهران ۱۳۸۶